

تبیین پیامدهای ژئوپلیتیکی قلمروگستری ناتو بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

^۱ سیدمحمودرضا شمس دولت آبادی

^۲ عزیز نصیرزاده

^۳ سیدمحمد میرسمعی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۱۸

چکیده:

فلسفه وجودی ناتو بر دفاع و گسترش لیبرالیسم نهاده و از زمان ابتدای جنگ سرد تاکنون با تغییر در مأموریت‌ها به تعقیب اهداف مرتبط با فلسفه وجودی پرداخته است. با فروپاشی شوروی و پیدایش تهدیدات جدید جهت‌گیری قلمروگرایانه این سازمان تغییر کرده است. داده‌های موجود گویای آن است که اهداف و مأموریت‌های ناتو در جهت‌گیری به سوی جنوب غرب آسیا ماهیتی ژئواستراتژیک دارد. قلمروگستری یادشده در ساختار، مأموریت‌ها و اهداف راهبردی این سازمان، پیامدهای مستقیم و غیرمستقیمی بر امنیت ملی ج.ا.ایران به جا خواهد گذاشت. پژوهش حاضر در قالب بررسی پیامدهای ژئوپلیتیک قلمروگستری ناتو بر امنیت ملی ج.ا.ایران به تبیین راهبردهای کشورمان در قبال کاهش سطح نفوذ ناتو در جنوب غرب آسیا می‌پردازد. این تحقیق نوعاً کاربردی و روش‌شناسی حاکم بر آن ماهیت توصیفی-تحلیلی دارد و داده‌ها و اطلاعات موردنیاز آن به روش کتابخانه‌ای گردآوری و پرسشنامه شده است. نتایج تحقیق نشان داد سطح تأثیرپذیری حوزه امنیت ملی ج.ا.ایران از قلمروگستری ناتو در بُعد عینی (نظامی و ژئوپلیتیک) نمود دارد.

کلیدواژه‌ها: قلمروگستری، جنوب غرب آسیا، ناتو، امنیت ملی ج.ا.ایران.

۱- استادیار دانشگاه عالی دفاع ملی

۲- دانشجوی دوره دکتری پدافند غیرعامل دانشگاه عالی دفاع ملی

۳- دانشجوی دوره دکتری پدافند غیرعامل دانشگاه عالی دفاع ملی

مقدمه:

پیمان‌های امنیتی نقش تعیین‌کننده‌ای در جایگاه سیاسی و امنیتی کشورها دارند. به گونه‌ای که واحدهای سیاسی بدون توجه به پیمان‌های دفاعی، امنیتی و راهبردی نمی‌توانند به قدرت منطقه‌ای یا جهانی تبدیل شوند. تاریخ روابط بین‌الملل نشان می‌دهد که ظهور و سقوط قدرت‌های بزرگ به چگونگی «ائتلاف‌سازی» آن‌ها بستگی دارد. ائتلاف‌های بین‌المللی نه تنها منجر به شکل‌گیری قدرت سیاسی و راهبردی برای واحدهای سیاسی می‌شوند بلکه از طریق ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به جلوه‌هایی از «هویت راهبردی» نیز دست می‌یابند (متقی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰). پیمان ناتو که در سال ۱۹۴۹ شکل گرفت بخشی از برنامه‌ریزی دفاعی و راهبردی آمریکا در سیاست بین‌الملل محسوب می‌شد. هدف ایالات متحده از سازمان‌دهی پیمان آتلانتیک شمالی عمدتاً مقابله با کمونیسم و اتحاد شوروی در اروپای غربی و حوزه مدیترانه بود. به این ترتیب سازمان‌دهی پیمان ناتو در شرایطی سر برآورد که اولاً، ساختار نظام بین‌الملل ماهیت دوقطبی داشت، ثانیاً، دو قدرت بزرگ جهانی در تعامل با یکدیگر از انعطاف‌پذیری و عقلانیت راهبردی برخوردار بودند، ثالثاً، تلاش داشتند که حوزه نفوذ خود را به گونه‌ای تدریجی ارتقا دهند. به همین دلیل پیمان ناتو در قالب «رهنامه بازدارندگی راهبردی» طراحی شد. زمانی که جنگ سرد پایان یافت و اتحاد شوروی در وضعیت فروپاشی قرار گرفت. این پرسش مطرح شد که پیمان ناتو در آینده چه جایگاهی خواهد داشت. در این فرآیند نظریه «گسترش ناتو» مطرح شد و زمینه برای الحاق کشورهای عضو پیمان ورشو به پیمان ناتو به وجود آمد و موضوع جدیدی به نام «آینده ناتو» مورد توجه و تأکید راهبرددپردازان آمریکایی و سایر کشورهای عضو ناتو قرار گرفت. کشورهای عضو در ۱۷ می ۲۰۱۰ راهبرد جدید خود را بر اساس مفاهیمی مانند «امنیت تضمین‌بخش» و «تعامل پویا» ارائه دادند و در چنین شرایطی، راهکنش و راهبرد آمریکا و پیمان ناتو تغییر یافت و بر مقابله با بازیگرانی جهت‌گیری شد که هژمونی ایالات متحده و جهان غرب را به چالش بکشند (همان: ۱۳). گسترش ناتو در اولین مرحله معطوف به سازمان‌دهی فرآیندی بود که به موجب آن، کشورهای عضو پیمان ورشو به گونه‌ای تدریجی جذب شوند. کشورهای لهستان، مجارستان و جمهوری چک از اولین کشورهایی بودند که در سال ۱۹۹۳ به عضویت این سازمان درآمدند. اگرچه جمهوری فدراتیو روسیه با کاربرد چنین الگویی از سوی آمریکا مخالف بود؛ اما رهبری افرادی همانند بوریس یلتسین و آندره کوزیرف مانع از مقاومت مؤثر روسیه در برابر فرآیند گسترش ناتو شد (Kay, 1998: 16). موج دوم گسترش ناتو زمانی بود که کشورهای جداشده از اتحاد شوروی یا

✦ تبیین پیامدهای ژئوپلیتیکی قلمروگستری ناتو بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ۱۰۷

همان «کشورهای مستقل مشترک‌المنافع» در روند همکاری، مشارکت و ائتلاف امنیتی با کشورهای عضو ناتو قرار گرفتند. روندی که زمینه عضویت کشورهای همانند لتونی، لیتوانی و استونی به ناتو را فراهم آورد. هریک از اقدام‌های یادشده را می‌توان بخشی از ضرورت‌های راهبردی ایالات متحده دانست. اگرچه روسیه در برابر الحاق گرجستان و آذربایجان به پیمان آتلانتیک - شمالی مقاومت کرد. موج سوم گسترش ناتو معطوف به شرایطی است که توسط لئون پانتا و دیوید پترائوس سازمان‌دهی شد در چنین روندی نشانه‌هایی از گسترش تهدیدها به‌گونه‌ای تدریجی موردتوجه قرار گرفتند. تهدیدهایی که به‌نوعی انعکاس گسترش نقش بین‌المللی آمریکا در مناطق پیرامونی است. در این دوران، کشورهایمانند ج.ا.ایران و چین واکنش راهبردی نشان دادند. به همین دلیل است که می‌توان نشانه‌هایی از محاصره امنیتی ایران و سایر بازیگران جبهه مقاومت توسط پایگاه‌های عملیاتی ناتو در حوزه‌های مختلف جغرافیایی را دنبال کرد. پیمان امنیتی آمریکا با کشورهایمانند عراق و افغانستان زمینه گسترش ناتو به حوزه مقاومت را فراهم می‌سازد (متقی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۷). در چنین فرآیندی هرگونه تغییر در ساختار، مأموریت‌ها و اهداف راهبردی ناتو، تأثیرات مستقیم و غیرمستقیمی را بر امنیت ملی ج.ا.ایران به‌جا خواهد گذاشت که این مقاله سعی دارد با بررسی نقش ژئوپلیتیکی ناتو در منطقه خاورمیانه و همچنین روند توسعه‌ای آن به تأثیرات این گسترش حوزه نفوذ بر امنیت ملی کشور ج.ا.ایران بپردازد.

مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

امنیت ملی

امنیت ازجمله دیرپاترین آمال بشر و یکی از لوازم و شروط بهزیستی و بهروزی تلقی می‌شود و از دیدگاه مازلو، ابزار حرکت به‌سوی «خودشکوفایی انسانی» محسوب می‌شود، به‌گونه‌ای که وی در اولویت‌بندی نیازهای بشر بلافاصله پس از نیازهای اولیه (هوا، غذا، مسکن، پوشاک)، نیاز به امنیت را جای‌داده و سایر نیازهای انسانی را باوجود ضرورت غیرقابل‌انکار آن‌ها، در اولویت‌های بعدی آورده است (مرادیان، ۱۳۸۵: ۸۸).

«هایس» در تعریف امنیت بیان می‌دارد که صلح و امنیت برای رهایی مردم از ترس دائمی و ابتلائات فیزیکی و جسمی است و «جان لاک» هم درباره صلح و امنیت نظریه «توماس هابز» را موردتوجه قرار داده و بیان می‌دارد که «مقصود از صلح و امنیت تنها آن نیست که زنده باشیم؛ بلکه

۱۰۸ فصلنامه امنیت ملی، سال هشتم، شماره بیست و هفتم، بهار ۱۳۹۷

منظور داشتن رفاه و آسایش و ایجاد تسهیلات شخصی است که حق طبیعی ماست و وظیفه مؤسسات دولتی است که آن‌ها را به دست آورده و نگهداری کنند» (پازارگارد، ۱۳۷۲: ۶۶۸).

بسیاری از دانشمندان واقع‌گرا امنیت ملی را با امنیت نظامی یکی دانسته و یا دست‌کم امنیت نظامی را موردتوجه جدی خود قرار داده و سایر ابعاد امنیت ملی را به‌اندازه‌ای که برای امنیت نظامی اهمیت قائل هستند، موردتوجه قرار نداده‌اند. از جمله می‌توان به «رابرت کوهن» و «جوزف نای» اشاره نمود که دانشمندان به نام واقع‌گرا هستند (روربت، ۱۹۷۷: ۳۰).

مفهوم امنیت ملی تعابیری را به‌کاربرده‌اند که در زیر به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- امنیت ملی و یا به تعبیر دیگر منافع ملی، مجموعه شرایط و امکانات پویایی است که تحقق نیازهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را میسر می‌سازد. این شرایط و امکانات خود ملهم از وضع ژئوپلیتیکی، ساختار اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ویژگی‌های فرهنگی و تاریخی یک جامعه و سرانجام جایگاه آن در صحنه بین‌المللی است. در تعریف دیگری از امنیت ملی گفته شده است که امنیت ملی به معنای عام؛ یعنی آسوده شدن از بیم تهدیدات خارجی نسبت به منافع حیاتی و اساسی مملکت. به عبارت دیگر امنیت ملی بدین معناست که یک کشور ارزش‌های حیاتی خویش را از تهدیدات جدی دورنگه دارد (بهزادی، ۱۳۶۸: ۱۰۳).

- برخی از نویسندگان برداشت کلی از مجموعه متون راجع به امنیت ملی را تأکید بر ویژگی‌های کلی بودن، ابهام، تغییر و تسامح دانسته و یکی از ملاک‌ها و درواقع روش‌هایی که از آن برای شناخت مفهوم و مصادیق امنیت ملی و تهدیدات آن استفاده می‌شود و به دلایل متعدد با دشواری زیادی روبه‌رو است، ملاک یا روش حقوقی و قانونی دانسته و تعیین ضوابط حقوقی و مقررات قانونی را وسیله‌ای مناسب و سودمند برای رسیدن به هدف یادشده می‌دانند (ره‌پیک، ۱۳۷۷: ۱۳۰).

اگر در تعاریف امنیت دقت شود می‌توان چنین برداشت نمود که نقطه مشترک در تمام تعاریف، روی ضرورت «حفظ وجود خود» متمرکز است. به عبارت دیگر می‌توان امنیت را «حفظ ذات و صیانت نفس از اساسی‌ترین خطرات» دانست. برخی صاحب‌نظران حفظ خود یا «صیانت ذات و نفس» را در پنج مقوله «حفظ جان مردم»، «حفظ دین، باورها و ارزش‌های مردم»، «حفظ تمامیت ارضی»، «حفظ نظام اقتصادی سیاسی» و «حفظ استقلال و حاکمیت کشور» خلاصه نموده‌اند (مرادیان، ۱۳۸۷: ۱۷۸).

← تبیین پیامدهای ژئوپلیتیکی قلمروگستری ناتو بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ۱۰۹۰

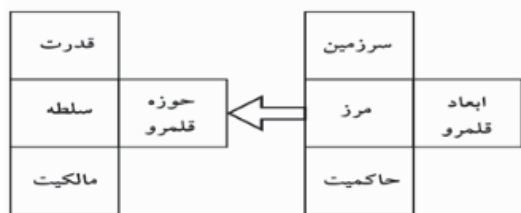
ژئوپلیتیک و قلمروگستری

ژئوپلیتیک، دانش رقابت و گسترش حوزه نفوذ حکومت‌ها و گروه‌های سیاسی است که درصدد کسب قدرت و تصرف ابزارها، اهرم‌ها و فرصت‌های جغرافیایی هستند که به آن‌ها قدرت و امکان چیرگی بر رقیب را می‌دهد. آن‌ها برای تصرف فرصت‌ها و مقدورات، در مکان و فضای جغرافیایی به رقابت پرداخته و تلاش می‌کنند نفوذ خود را در فضاها و جغرافیایی بیشتر توسعه دهند و آن‌ها را به قلمرو اعمال اراده خود بیفزایند و برعکس، رقبا را از فضاها و موارد مزاحمه برانند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۸۴).

از آنجاکه قلمروخواهی، کوشش و زمینه‌ای برای ساخت قلمرو قلمروگستری است، مستلزم روش‌ها و ابزارهای متعددی است که طی زمان تکامل یافته‌اند و امروزه بسیاری از آن‌ها ماهیتی نرم‌افزاری دارند. باین‌حال کنشگران و بازیگران سیاسی برای قلمروخواهی، الزاماً نیازمند پایش کامل و به‌دست آوردن سرزمین نیستند؛ بلکه نفوذ و کنترل اذهان عمومی و کنشگران سیاسی نیز آن سرزمین را به قلمرو آن‌ها تبدیل می‌کند. به‌همین دلیل، دانشمندان معتقدند قلمروگستری و گونه‌های مختلف ابزار آن، باید وسیله‌ای برای نیل به هدفی مشخص مانند ادامه بقا، سلطه‌ی سیاسی یا بیگانه‌ستیزی شناخته شوند (مویر، ۱۳۷۹: ۱۷).

قلمروگستری گاه با رویکردی بهره‌کشانه و بی‌پروایانه نسبت به حقوق اکولوژیک دیگر انسان‌ها همراه می‌شود؛ یعنی بعضی از دولت‌ها همواره درصدد بوده‌اند به روش‌های مختلف، قلمروی خود را گسترش دهند. این پدیده، همواره زمانی رخ می‌دهد که نخبگان حاکم به این نتیجه برسند که فضای اختصاص‌یافته، تأمین‌کننده‌ی نیازهای کنونی و آینده مردم و فعالیت‌های ضروری آن‌ها نیست. در چنین وضعیتی، قلمروخواهی اساساً ماهیت توسعه‌طلبانه می‌یابد و تلاش برای دستیابی به ابزارهایی برای الحاق فضای بیشتر را به دنبال دارد (بلاکسل، ۱۳۸۹: ۳۸).

تاختن به دیگر سرزمین‌ها، از مهم‌ترین سازوکارهایی است که دولت‌ها برای گسترش قلمرو خود برگزیده‌اند. به‌طور مشخص، بررسی این بعد از کنش سرزمینی انسان جغرافیایی را می‌توان در آثار فردریچ راتزل در قالب نظریه‌ی کشور زیستمند^۱ و راهبرد ژئوپلیتیک هوس هوفر در آلمان و نظریه‌های ژئوپلیتیک دوران جنگ سرد دنبال کرد (کاوایانی‌راد، ۱۳۹۲: ۴۵).



شکل ۱. ابعاد، کارکرد و حوزه قلمرو (کاویانی‌راد، ۱۳۹۲: ۴۶)

ناتو

از زمانی که کاخ سفید رهنامه مونروئه^۱ را کنار گذاشت، اعمال سیاست‌های یک‌جانبه آمریکا، جایگاه اعضای اروپایی ناتو را که پس از جنگ جهانی دوم از لحاظ اقتصادی ورشکسته بودند، از کشورهای برابر به کشورهای درجه‌دو و حامی کاهش داد. پس از پایان جنگ کره در اوایل دهه ۱۹۵۰ در اروپا، اندیشه تقویت ناتو و سپردن امور به دست آمریکا مبتنی بر رهنامه ترومن قوت بیشتری گرفت. در دسامبر ۱۹۵۰، ژنرال آیزنهاور به فرماندهی نیروهای ناتو در اروپا منصوب شد و فرماندهی واحد ناتو را به وجود آورد (نقیب‌زاده، ۱۳۸۳: ۲۵۸). در سال ۱۹۵۱، با پیوستن ترکیه، یونان و آلمان به ناتو، آمریکا توانست افزون بر تحکیم موقعیت ناتو در اروپای غربی، با انعقاد پیمان‌های متعدد و چندجانبه به تکمیل سیاست «سد نفوذ» مبتنی بر رهنامه آیزنهاور بپردازد (همان: ۲۶۰).

از سال ۱۹۵۷ با ساخت نخستین بمب اتمی و پرتاب ماهواره اسپوتنیک به فضا از سوی اتحاد جماهیر شوروی که منجر به پیش افتادن این کشور از آمریکا به لحاظ تسلیحاتی شده بود؛ آمریکا به‌موجب طرحی موسوم به MC/70 موشک‌های میان‌برد خود را در خاک ایتالیا، ترکیه و انگلستان مستقر کرد. همچنین در سال ۱۹۵۹ مقرر شد که ناتو به چهارمین قدرت اتمی پس از آمریکا، شوروی و انگلیس تبدیل شود. این در حالی بود که پیشرفت شوروی در عرصه ماهواره، رهنامه نظامی حاکم بر ناتو را که جان فوستر دالس^۲ در سال ۱۹۵۴ بر پایه تلافی همه‌جانبه (هرگونه حمله‌ای به کشورهای ناتو با پاسخ اتمی روبه‌رو خواهد شد) زیر سؤال برده بود (همان: ۲۶۱).

از این رو با شکست سیاست واپایش (کنترل) و دربرگیری آمریکا، رابرت مک نامارا، وزیر دفاع جان‌اف‌کندی، اعلام کرد که آمریکا به این نتیجه رسیده است که بزرگ‌ترین خطر برای این کشور

۱ - رهنامه مونروئه در دسامبر ۱۸۲۳ توسط جیمز مونرو، رئیس‌جمهور وقت آمریکا اعلام شد. براساس این رهنامه، دولت آمریکا تصمیم گرفت از دخالت درجنگ بین قدرت‌های اروپایی و مستمرات آنها خودداری کرده و وقوع جنگ یا فعالیت استعماری درقاره آمریکا را به عنوان حرکتی خصمانه تلقی کند.

^۲ -John Foster Dales

← تبیین پیامدهای ژئوپلیتیکی قلمروگستری ناتو بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ۱۱۱۰

و متحدانش جنگ هسته‌ای است و هرگونه جنگ هسته‌ای می‌تواند منجر به تباهی اروپا شود، پس آمریکا و متحدان ناتو، در صورت تعرض شوروی، به حمله اتمی فوری اقدام نخواهند کرد، بلکه نخست، با استفاده از نیروهای متعارف، جلوی تجاوز را خواهند گرفت و خطر یک جنگ اتمی را به شوروی هشدار خواهد داد (Wierzynski and Kelly, 19 Apr 1982). رهنامه مک‌نامارا که بر پاسخ منعطف به تهدیدها استوار بود، ضرورت تغییر رهنامه نظامی ناتو را مطرح کرد که با مخالفت ژنرال دوگل تا زمان خروج فرانسه از این سازمان به تعویق افتاد. دوگل معتقد بود آمریکا، ناتو را محمولی برای پیشبرد سیاست‌های یک‌جانبه خود قرار داده است (نقیب‌زاده، ۱۳۸۳: ۲۶۳). شکست آمریکا در ویتنام و خروج نیروهای آمریکایی از این کشور در سال ۱۹۷۳، تأثیر عمیق بر سیاست خارجی و نظامی آمریکا برجا گذاشت. رهبران آمریکا معتقد بودند که جنگ آمریکا در کره و ویتنام، به نمایندگی از کشورهای انجام شد که واشنگتن تعهدی به آن‌ها نداشت، بدتر اینکه این جنگ در مناطقی اتفاق افتاد که تحت پوشش متحدان آمریکا نبود، به این دلایل ریچارد نیکسون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، رهنامه مهار را ارائه کرد. بر اساس این رهنامه، متحدان آمریکا باید مسئولیت بیشتری در زمینه‌ی دفاع با سلاح‌های متعارف برعهده می‌گرفتند (Sorley, 1983: 135)، اما در نهایت، با شکست رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۷۳، سقوط رژیم‌های پرتغال، اتیوپی، یونان و پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، رهنامه نیکسون شکست خورد. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و از بین رفتن خطر جنگ، هرچند متحدان اروپایی ناتو نسبت به ادامه حیات ناتو دچار تردید بودند، اما سرانجام آمریکا توانست، اعضای ناتو را به تشکیل نیروی واکنش سریع بر اساس رهنامه کارتر متقاعد کند. رهنامه (دکترین) کارتر نیز گسترش نفوذ و حضور مستقیم آمریکا در جهان را مورد تأکید قرار داد که بر سه‌پایه افزایش پایگاه‌های نظامی و امکانات تسلیحاتی آمریکا در مناطق حساس جهان، ایجاد نیروهای نظامی واکنش سریع و آمادگی آمریکا برای مداخله نظامی گسترده در مناطق مورد تهدید، استوار بود. پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، آمریکا دامنه تهدیدها را به تروریسم، افراط‌گرایی اسلامی و خطر سلاح‌های کشتار جمعی گسترش داد. از آنجاکه راهبرد ناتو تا حد زیادی متأثر از رفتار آمریکا در عرصه بین‌المللی است، بررسی تغییرات ایجادشده در سیاست راهبردی آمریکا پس از این مقطع حائز اهمیت اساسی است. آمریکا بزرگ‌ترین قدرت عضو ناتو است که در بسیاری از مقاطع تلاش داشته برای پیشبرد هدف‌های خود، از طریق ناتو اقدام کند حادثه ۱۱ سپتامبر بیشترین مطلوبیت راهبردی را برای هدف‌های آمریکا فراهم آورد.

۱۱۲ فصلنامه امنیت ملی، سال هشتم، شماره بیست و هفتم، بهار ۱۳۹۷

اولین نشانه‌های راهبرد جدید پس از حوادث ۱۱ سپتامبر در سخنرانی سالانه بوش در ۲۹ ژانویه ۲۰۰۲ در کنگره که از «محور شرارت»^۱ سخن گفت، آشکار شد؛ جایی که وی گفت: «من منتظر وقوع وقایع نخواهم ماند. من در شرایطی که خطر لحظه‌لحظه نزدیک می‌شود، به نظاره نخواهم ایستاد. آمریکا اجازه نخواهد داد تا خطرناک‌ترین رژیم‌ها با مخرب‌ترین سلاح‌ها جهان ما را تهدید کنند.» حادثه ۱۱ سپتامبر به رهبران سیاسی آمریکا کمک کرد تا روندهای امنیتی جدیدی را در چارچوب رهنامه محور شرارت سازمان‌دهی نماید. در این رهنامه که در اواخر ژانویه ۲۰۰۲ در سخنرانی بوش ارائه شد، بر ضرورت عملیات پیشدستانه و همچنین جنگ علیه تروریسم تأکید شده بود (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۶: ۲۵۹).

این راهبرد جدید در ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۲ در سندی موسوم به «راهبرد امنیت ملی آمریکا» توسط دولت بوش انتشار یافت. انتشار این سند از نظر تحول بنیادینی که در راهبرد امنیتی آمریکا در دوره پس از جنگ جهانی دوم به وجود آورد، بی‌سابقه بود (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۲۱). پس از ۱۱ سپتامبر، ناتو برای اولین بار در تاریخ خود، به ماده پنج منشور در حمایت از آمریکا متوسل شد. این حمایت‌ها عبارت بودند از: افزایش مشارکت و همکاری اطلاعاتی، کمک به متحدان و سایر کشورهایی که ممکن است موردحمله تروریستی قرار گیرند، فراهم کردن امنیت برای پایگاه‌های آمریکا، تأمین امکانات موردنیاز برای مقابله با تروریسم، ایجاد پوشش و تسهیلات لازم برای پروازهای عملیات ضدتروریسم، فراهم کردن دسترسی به تمامی بندرها و فضای هوایی کشورهای عضو درنبرد علیه تروریسم برای آمریکا و متحدان، به‌کارگیری واحدهای دریایی در مدیترانه شرقی، به‌کارگیری نیروهای هواپرد ناتو برای حمایت از عملیات تروریسم (Lansford and Tashev, 2005: 288). ارزیابی تاریخی تحولات ناتو در دوران بعد از جنگ سرد نشان می‌دهد که کاربرد قدرت نظامی ناتو بنا به ایده دبیر کل سازمان ملل متحد برای نخستین بار در «قضیه یوگسلاوی» مطرح شد. در تاریخ ۱۷ ژوئن ۱۹۹۲ (طبق قطعنامه ۷۵۲) به ناتو مجوز داده شده تا به‌عنوان یک «پیمان منطقه‌ای» تمام اقتدار قانونی لازم برای اقدام قهری را به‌کار گیرد. گفتنی است که هرگاه پیمان‌های امنیتی به کاربرد قدرت نظامی متوسل شوند، باید چنین اقدامی بر اساس

^۱ محور شرارت، اصطلاحی است که جورج دبلیو بوش، رئیس‌جمهور آمریکا در ۲۹ ژانویه ۲۰۰۲ در سخنرانی سالیانه خود در کنگره این کشور در اشاره به سه کشور ایران، کره شمالی و عراق به‌کار گرفت. او علت این نام‌گذاری را «حمایت آن کشورها از تروریسم» و تلاش آن‌ها برای دستیابی سلاح‌های کشتار جمعی، بیان کرد و عبارت «آن سوی محور شرارت» نیز دربرگیرنده کوبا، لیبی و سوریه است.

✦ تبیین پیامدهای ژئوپلیتیکی قلمروگستری ناتو بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ✦ ۱۱۳

موافقت اعضای دائم شورای امنیت انجام پذیرد. طرح مسائل امنیتی در شورای امنیت ملل می‌تواند توسط دبیر کل سازمان ملل، اعضای دائمی شورای امنیت و یا گروهی از اعضای مجمع عمومی انجام پذیرد (United Nation, Resolution 752/17Jun1992:1).

برخی از نظریه‌پردازان بر این اعتقادند که تحول سازمانی و کارکردی ناتو تابعی از ضرورت‌های امنیتی توسعه ژئوپلیتیکی ایالات متحده آمریکا محسوب می‌شود. آمریکا در سال‌های بعد از جنگ سرد به محور اصلی قدرت ژئوپلیتیکی جهان تبدیل شد. کوهن بر این اعتقاد است که فروپاشی اتحاد شوروی موجب ظهور ایالات متحده به‌عنوان تنها ابرقدرت جهان گردید. بسیاری اعتقاد داشتند که ایالات متحده باید «صلح آمریکایی»^۱ را بر جهان تحمیل کند. در سال‌های بعد از جنگ سرد امکان رشد جهانی شدن با پیامدهای مثبت و منفی آن به وجود آمد. این تغییرات به‌نوبه خود بر تغییر ساختار ژئوپلیتیکی جهان تأثیرگذار بوده است. در جهان دریایی نیز مسائلی از جمله گسترش ناتو و اتحادیه اروپا به موازنه موجود اروپای ساحلی و ایالات متحده و نیز میان حوزه‌های دریایی و هارتلند روسی تأثیر به‌جا گذاشت. (کوهن، ۱۳۸۷: ۱۸۰).

حمله نظامی آمریکا و متحدان به عراق، بر الگوی رفتاری ناتو تأثیر به‌جا گذاشت. کاربرد قدرت نظامی توسط آمریکا در برخورد با کشورهای پیرامونی را می‌توان زیربنای راهبرد ناتو در دوران بعد از جنگ سرد دانست. واپایش موازنه قدرت در خلیج فارس را باید اولین اقدام نظامی غیرمستقیم ناتو دانست. عملیاتی که با موافقت رسمی اتحاد شوروی روبه‌رو گردید. راهبرد پردازان آمریکایی بر این امر واقف بودند که در دوران گذار، جلوه‌هایی از تهدید پیرامونی فراروی امنیت ملی ایالات متحده خواهد بود. به همین دلیل است که آمادگی راهکنشی نیروهای نظامی آمریکا برای مقابله با مخاطره‌های امنیتی احتمالی افزایش یافت (Borosage, 2000: 198).

تحولات یوگسلاوی را می‌توان دومین مرحله دگرگونی و تکامل راهبرد نظامی ناتو دانست. در شرایطی که بحران بالکان در حال گسترش بود، برژینسکی ایده «جهانی در آشفتگی دائم» را ارائه داد (Brzezinski, 1993: 4).

بنابراین مفاهیمی همانند ضرورت کاربرد قدرت نظامی در عملیات بشردوستانه مورد توجه قرار گرفت؛ متعاقب چنین فرآیندی بود که رابطه سازمان‌یافته بین نهادهایی همانند ناتو و سازمان ملل متحد ایجاد شد (محمدی، ۱۳۸۸: ۲۹).

^۱ Pax Americana

محیط‌شناسی جنوب‌غرب آسیا و ایران

رضایی (۱۳۸۴) میرقائد، در پژوهش خود بانام «ایران منطقه‌ای»، ایران را قدرت برتر در منطقه‌ی آسیای جنوب غربی معرفی می‌کند. رضایی ایران را در موقعیت مرکزی منطقه‌ای می‌بیند که شامل حوزه‌های ژئوپلیتیکی هلال خصیب، خلیج فارس، آسیای مرکزی و قفقاز و جنوب آسیا می‌شود. آسیای جنوب غربی موردنظر رضایی، از شمال به روسیه و از شرق به چین، از جنوب شرقی به هند، از جنوب به اقیانوس هند و از غرب به دریای مدیترانه و سرخ و از شمال غربی به دریای سیاه محدود می‌گردد (رضایی میرقائد، ۱۳۸۴: ۲۴۹).

آسیای جنوب غربی در متون کلاسیک به‌عنوان یک حوزه‌ی جغرافیایی وسیع به‌کاربرده می‌شود که چندین منطقه‌ی مشهور را، که در مطالعات منطقه‌ای به‌مثابه‌ی مناطقی جداگانه محسوب می‌شوند، در خود جای می‌دهد. بخش‌هایی از منطقه‌ی قفقاز، ایران، پاکستان و افغانستان، بخش‌هایی از آسیای میانه، عراق، ترکیه، کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس، سوریه، لبنان، فلسطین و گاهی مصر نیز در ادبیات رایج به‌عنوان بخشی از آسیای جنوب غربی به کار می‌روند. درواقع در این نگاه، آسیای غربی مجموعه‌ای از پنج منطقه تلقی می‌شود که در مطالعات کلاسیک، منطقه‌ای مجزا از هم فرض می‌شوند. شکل شماره ۲ حاوی همین دیدگاه است و نقشه‌ای است که مؤسسه‌ی مطالعاتی دانشگاه ییل برای منطقه‌ی آسیای جنوب غربی ارائه کرده و پروژه‌ی مطالعاتی خود را بر مبنای آن به اجرا گذارده است (مرادی، ۱۳۹۳: ۱).



شکل ۲. منطقه‌ی آسیای جنوب‌غربی

بر اساس این نقشه، آسیای جنوب‌غربی منطقه‌ای از شمال شبه‌قاره‌ی هند، آسیای میانه، قفقاز، آسیای صغیر، منطقه‌ی خلیج فارس و بخش عمده‌ی خاورمیانه به‌معنای مصطلح آن را در برمی‌گیرد. شکل شماره ۳ مربوط به حوزه‌ی جغرافیایی است که در این متون رسمی، به‌عنوان آسیای جنوب غربی خوانده می‌شود (سلیمی، ۱۳۸۸: ۱۱۶-۱۳۷).

← تبیین پیامدهای ژئوپلیتیکی قلمروگستری ناتو بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ۱۱۵



شکل ۳. آسیای جنوب غربی

چنانچه در این نقشه (که در بسیاری از ادارات وابسته به سازمان ملل متحد نیز مینا گرفته می شود) روشن است، آسیای جنوب غربی به منطقه‌ی محدودتری گفته می شود. این منطقه در برخی متون علمی و برخی ترجمان‌های اجرایی مانند سازمان‌های ورزشی، به عنوان آسیای غربی نیز شناخته می شود. هرچند در برخی اسناد سازمان ملل متحد، این منطقه با وسعت‌ها و تعاریف متفاوتی خوانده می شود، ولی در بسیاری موارد، این نقشه مبنای تقسیم‌بندی مناطق و زیر مناطق جهان از دیدگاه سازمان ملل است که جایگاه آسیای غربی نیز در آن کاملاً مشخص است که در آن ایران جزء منطقه‌ی آسیای جنوبی و بخشی از قفقاز جزء منطقه‌ی آسیای غربی آمده است (شکل شماره ۴) (مرادی، ۱۳۹۳: ۱).



شکل ۴. مناطق جغرافیایی جهان

نقش ژئوپلیتیکی ناتو

الف) الحاق کشورهای اروپای شرقی به ناتو

اولین مرحله گسترش ناتو در سال ۱۹۹۳ انجام گرفت. کشورهای اروپای شرقی به عنوان بازیگران جدید نظام امنیت منطقه‌ای آمریکا در ناتو محسوب می شدند. فرآیندی که کلینتون در سال ۱۹۹۳

۱۱۶ فصلنامه امنیت ملی، سال هشتم، شماره بیست و هفتم، بهار ۱۳۹۷

پیگیری نمود، زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری اروپای جدید را فراهم ساخت. در روند گسترش ناتو کشورهای لهستان، مجارستان و جمهوری چک از جایگاه ویژه‌ای نزد کشورهای ناتو برخوردار شده‌اند (متقی و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۱).

گسترش ناتو زمینه‌های لازم برای سازمان‌دهی شکل جدیدی از «تعهدات و مقررات مربوط به پیمان‌های اتحاد»^۱ را در دوران بعد از جنگ سرد به وجود آورده است (Kay, 1998: 135). روندهای گسترش ناتو، موج دوم توسعه ژئوپلیتیکی آمریکا و کشورهای اروپای غربی در حوزه اوراسیا را به وجود آورد.

تمامی فرآیندهای مربوط به گسترش ناتو را می‌توان در ارتباط با شکل‌بندی‌های امنیتی موردتوجه قرارداد. به عبارت دیگر، ناتو به گونه‌ای تدریجی تلاش دارد تا حوزه نفوذ خود را به منطقه «کشورهای مستقل مشترک‌المنافع»^۲ گسترش دهد.

ب) گسترش ناتو به خاورمیانه و مدیترانه شرقی

موضوع گسترش ناتو به خاورمیانه و مدیترانه شرقی برای اولین بار در اجلاسیه بروکسل در سال ۱۹۹۴ ارائه شد. در اجلاسیه بروکسل و در چارچوب طرح مشارکت برای صلح، مسائلی از جمله الزام دولت‌های عضو به برنامه‌ریزی، آموزش نظامی و تمرین‌های نظامی کشورهای اروپای شرقی برای ادغام تدریجی در ساختار ناتو موردتوجه واقع شد (Ball, 1994: 215).

دومین مرحله از فرآیندهای امنیت‌سازی در حوزه‌های منطقه‌ای مربوط به روندی است که در چارچوب مذاکره‌های مدیترانه موردتوجه قرار گرفته است. در مذاکره‌های مدیترانه زمینه برای مشارکت هفت‌دولت منطقه‌ای مدیترانه فراهم شد. کشورهای عضو ناتو توانستند بین امنیت در اروپا و مدیترانه شرقی رابطه‌ای نظام‌مند برقرار نمایند. موضوع‌هایی از جمله: همکاری‌های چندجانبه، شفاف‌سازی در زمره اصلی‌ترین اهداف مذاکره‌های مدیترانه بودند (Kay, 1998: 157). مقابله با تروریسم به عنوان دغدغه جدید سیاست بین‌الملل محسوب می‌شود. تروریسم را می‌توان بخشی از ضرورت‌های امنیت راهبردی دانست (خادمی، ۱۳۸۲: ۱۲).

ج) گفتمان مبارزه با تروریسم در راهبرد ناتو

ایالات متحده تلاش داشت تا نیروهای خود را برای مقابله با تهدیدهای عصر جدید مورد استفاده قرار دهد (متقی و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۲).

^۱. Collection Security arrangements

^۲. Globalization

← تبیین پیامدهای ژئوپلیتیکی قلمروگستری ناتو بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ۱۱۷

در این رابطه برژینسکی ایده «جهانی در آشفتگی دائم»^۱ را مطرح ساخت. «لوکاس» نیز پیش‌بینی نمود که نظام بین‌الملل تحت حاکمیت «ملی‌گرایی ناسازگار و پرتنش»^۲ قرار خواهد گرفت. افزون بر این، «ساموئل هانتینگتون» نیز آینده‌ای از کشمکش‌های خون‌بار جهانی میان تمدن‌ها و فرهنگ‌های تاریخی بزرگ را در چارچوب نظریه «برخورد تمدن‌ها»^۳ تبیین نمود. «رابرت کاپلان» نیز موضوع «آشوب جهانی»^۴ را مورد پردازش قرارداد (متقی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴۵).

در این دوران تاریخی ادبیات جدیدی در قالب «پادتروریسم»^۵ ارائه شد. این‌گونه مفاهیم و ادبیات به معنای به‌کارگیری اقدام‌های دفاعی-امنیتی مؤثر برای مقابله با نشانه‌های تهدید است. ضرورت مقابله با تروریسم در راهبرد امنیتی آمریکا و ناتو در قالب «جنگ پیشدستانه»^۶ تبیین گردید (همان: ۱۴۸).

(د) مقابله با شبکه‌های تروریستی (اجلاسیه پراگ ۲۰۰۲)

اجلاسیه پراگ بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر شکل گرفت. به‌عبارت‌دیگر، اجلاسیه پراگ را می‌توان اولین گردهمایی رهبران عضو ناتو دانست که برای مقابله با شبکه‌های تروریستی در جمهوری چک تشکیل گردید. (متقی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۰)

(ه) تأثیر نشست استانبول ۲۰۰۴ بر چندجانبه‌گرایی ناتو در مقابله با تروریسم

درواقع، شکل‌گیری نقش ناتو در «طرح خاورمیانه بزرگ» با حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و متعاقب آن حمله به عراق آغاز گردید و در سال ۲۰۰۴ در قالب «ابتکار همکاری استانبول»^۷ (ICI) شکل رسمی‌تری به خود گرفت. ابتکار همکاری استانبول که در مارس ۲۰۰۴ در نشست ناتو در استانبول ارائه گردید، کشورهای منطقه خاورمیانه بزرگ، به‌ویژه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس را به همکاری عملی با ناتو دعوت می‌کند (همان: ۱۵۵).

ازجمله اهدافی که رهبران کشورهای عضو ناتو در ابتکار همکاری استانبول ۲۰۰۴ مورد تأکید قرار دادند، ازجمله این سازوکارها می‌توان به انجام اقدام‌هایی ازجمله گزینه‌های محدودکننده، بازدارنده و مقابله‌جویانه زیر اشاره داشت:

1. A World in Perpetual Turmoil

2. Intransigent Nationalism

3. Clash of Civilization

4. Global Chaos

5. Anti- Terrorism

6. Pre-emptive War

7. Istanbul Cooperation Initiative

- مقابله با تروریسم؛
- مبارزه با گسترش سلاح‌های کشتار جمعی،
- همکاری در امور امنیت مرزی به منظور مبارزه با قاچاق موادمخدر، قاچاق اسلحه و انسان؛
- تهیه برنامه‌های مشترک جهت مقابله با مشکلات بزرگ و شرایط اضطراری؛
- آموزش‌های نظامی و امنیتی؛ شرکت در تمرین‌های ناتو؛
- ارائه خدمات و کمک‌های فنی برای انجام اصلاحات در سامانه‌های نظامی و مناسبات نظامی مدنی؛
- هماهنگ‌سازی سامانه‌ها و تجهیزات نظامی به منظور حذف ناسازگاری‌ها و تسهیل اقدام‌های مشترک (Kujat, 2003:7)

و) مقابله با تروریسم از طریق گسترش دموکراسی (اجلاسیه مادرید - مارس ۲۰۰۵)

اجلاسیه مادرید در تفکر نظریه‌پردازان امنیتی از این جهت اهمیت دارد که یادآور خاطره مذاکره‌های صلح اعراب - رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۹۲ است. در اجلاسیه مادرید می‌توان نشانه‌هایی از مبارزه با تروریسم از طریق گسترش دموکراسی را مورد توجه قرار داد. اولین بار «کالین پاول» در سال ۲۰۰۳ موضوع خاورمیانه بزرگ را مطرح نمود. بعد از آن «کاندولیزا رایس» خاورمیانه بزرگ‌تر را جایگزین نمود (متقی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۹۰).

حمایت‌های آموزشی - پشتیبانی ناتو از پاکستان در چارچوب برنامه مبارزه با تروریسم دولت پاکستان چنان هنرمندانه در دوران حمله ائتلاف انگلیس - آمریکا به افغانستان به ایفای نقش پرداخت که جرج بوش در سال ۲۰۰۴ و در راستای گسترش همکاری‌های امنیتی میان طرفین، پاکستان را «متحد بزرگ غیر عضو ناتو» نامید. اجازه تشکیل پایگاه و استقرار نیروهای نظامی ناتو در پاکستان، فرصتی برای ناتو فراهم می‌آورد تا با تسلط بر ساحل شمالی دریای عمان، هرچه بیشتر خود را به تنگه راهبردی هرمز که محل عبور بخش عمده‌ای از نفت جهان است، نزدیک سازد (همان: ۱۶۴).

ز) اجلاسیه شیکاگو و سازمان‌دهی «دفاع هوشمند»^۱

سران کشورهای عضو ناتو در نشست خود استراسبورگ - کهل^۲ در ۲ و ۳ آوریل ۲۰۰۹، دبیر کل سازمان را موظف نمودند که سند «مفهوم راهبردی نوین» را تا نشست بعدی سران در نوامبر ۲۰۱۰

^۱. Smart Defense

^۲. Strasbourg -Kohl

← تبیین پیامدهای ژئوپلیتیکی قلمروگستری ناتو بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ۱۱۹

تدوین کرده و ارائه دهد. مرحله نخست به نام «مرحله تفکر»^۱، از سپتامبر ۲۰۰۹ تا اواسط فوریه ۲۰۱۰ برای تعامل و مشورت با جامعه وسیع تری از سیاستمداران اختصاص داشت که طی آن گفت‌وگوهایی در زمینه‌ی چالش‌های پیش روی ناتو و بررسی و ارزیابی موضوع‌های مختلف مرتبط با مفهوم نوین راهبردی، در قالب چهار هم‌اندیشی و جلسه‌های پیرامون آن‌ها در کشورهای مختلف عضو ناتو سازمان‌دهی شد. مرحله دوم برنامه «مرحله رایزنی»^۲ شامل سفر گروه کارشناسی به هریک از پایتخت‌های کشورهای عضو ناتو برای ارائه مستقیم نتایج مشورت‌های داخلی و جمع‌بندی‌های مقدماتی گروه به دولت‌های ناتو و باهدف دریافت نقطه نظرات و بازخوردهای اولیه این کشورها صورت گرفت. گروه به‌صورت دوره‌ای نیز با دبیر کل سازمان، شورای آتلانتیک شمالی و سایر مقام‌ها در مقر فرماندهی ناتو ملاقات داشت. در نهایت در ۱۷ می ۲۰۱۰، این گروه تحلیل‌ها و توصیه‌های نهایی خود در رابطه با مفهوم راهبردی نوین را در قالب گزارشی با عنوان «ناتو ۲۰۲۰: تضمین امنیت؛ تعامل پویا»^۳ طی دو نشست با آندرس فوج راسموسن^۴، دبیر کل ناتو و اعضای شورای آتلانتیک شمالی تسلیم آن‌ها نمود. به این ترتیب، سند مفهوم راهبردی نوین ناتو در سال ۲۰۱۱ تصویب گردید (متقی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۸۰).

مطابق این رهنمود فراگیر، ضرورت حفظ ترکیبی از نیروهای متعارف و هسته‌ای همچنان احساس می‌شود و تمرکز ویژه بر موارد زیر حیاتی است:

- (۱) تقویت توانایی مقابله با چالش‌های امنیتی برای مردم، سرزمین و نیروهای نظامی خود، با هر منشاء احتمالی؛
- (۲) ارتقای توانمندی پیش‌بینی و ارزیابی تهدیدات، خطرات و چالش‌های پیش‌رو با توجه ویژه بر تهدیدات ناشی از تروریسم و اشاعه تسلیحات کشتار جمعی؛
- (۳) تامین نیروهای قادر به هدایت طیف کاملی از عملیات و ماموریت‌های نظامی؛
- (۴) توانایی برای پاسخ سریع به وضعیت‌های غیرقابل پیش‌بینی؛
- (۵) تضمین هماهنگی موثر بین ابزارهای مدیریت بحران ناتو؛
- (۶) تداوم تطبیق فرایندهای برنامه‌ریزی برای پاسخگویی به تقاضاهای جدید (همان).

¹. Reflection Phase

². Consultation Phase

³. NATO 2020: Assured Security; Dynamic Engagement

⁴. Anders Foch Rasmussen

۱۲۰ فصلنامه امنیت ملی، سال هشتم، شماره بیست و هفتم، بهار ۱۳۹۷

محورهای اصلی اجلاس‌های شیکاگو (ژوئن ۲۰۱۲) را می‌توان بر اساس مسائلی همانند «دفاع هوشمند»، «ائتلاف و همکاری بین متحدان»، «بازنگری موازنه فرا آتانتیکی» و «تقسیم مسئولیت‌ها» موردتوجه قرار داد. (Gunther, 2012:8)

دفاع هوشمند دارای سه شاخص اصلی است: بخش اول دفاع هوشمند مربوط به سازمان‌دهی دفاع موشکی و دفاع ضد موشک می‌باشد. بخش دوم آن را می‌توان بر اساس تحرک نیروی هوایی راهکنشی موردتوجه قرار داد. نیروهای راهکنشی می‌توانند قابلیت‌های تأثیرگذاری در مناطق بحرانی را افزایش دهند. یکی از مراکز اصلی سازمان‌دهی عملیات راهکنشی، نیروی هوایی ناتو است که در منطقه بالتیک قرار دارد. منطقه‌ای که می‌تواند بر تحولات حوزه قفقاز و روسیه تأثیر به‌جا گذارد. سومین شاخص مربوط به دفاع هوشمند را باید در قالب ابتکار عملیاتی موردتوجه قرار داد (متقی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۸۴).

ح) وحدت ناتو در اجلاس‌های اخیر (بروکسل، لژبن پرتگال و ورشو ۲۰۱۴-۲۰۱۶)

شاخص‌های اصلی مفهوم راهبردی نوین ناتو معطوف به فرآیند تضمین امنیت برای کشورهای عضو است. تضمین امنیت را باید الگویی جدید در راهبرد امنیتی ناتو دانست. ناتو در یک راهبرد تازه که در آخرین اجلاسشان در لژبن پرتگال روی آن توافق کردند، افغانستان را تنها نمی‌گذارند و اجلاس اخیر خاکهء هم با هدف تمویل مالی این موضوع پیگیری گردید و موضوعاتی همچون رسیدن به یک توافق روی حضور ناتو به منظور حمایت از متحدانش در شرق، اعلان ایجاد یک نیروی موقت پیشگام که در وقت ضرورت پاسخگو باشد، حمایت سیاسی و عملی گسترده از اوکراین و راه اندازی ماموریت حمایت قاطع از آغاز ۲۰۱۵ در افغانستان، اهم مواردی است که برای ناتو حائز اهمیت است؛ نشست سران ۲۸ دولت عضو ناتو هم با هدف نهایی کردن بزرگترین طرح تقویت مواضع نظامی این سازمان در برابر روسیه به شکلی نمادین در ورشو مقر پیشین پیمان نظامی شرق در برابر ناتو برگزار شد و در آن درباره اوضاع خاورمیانه، افغانستان، مقابله با گروه تروریستی داعش و همچنین مسائل مرتبط با امنیت ناتو گفتگو گردید که از نگاه تحلیل‌گران محاصره اروپایی روسیه، مهمترین تصمیم نشست ورشو بود که با بیانیه‌ای تند علیه مسکو و اقدام‌های جدید نظامی در شرق اروپا و منطقه بالتیک پایان یافت (ایراس، ۱۳۹۵).

سپردفاع موشکی ناتو

در گزارش منتشر شده ماه می ۲۰۱۰ گروه ۱۲ نفره کارشناسان طراحی کننده «مفهوم نوین راهبردی ناتو» به ریاست مادلین البرایت، از ایران به‌عنوان یکی از تهدید کنندگان موشکی و هسته‌ای جهان

← تبیین پیامدهای ژئوپلیتیکی قلمروگستری ناتو بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ۱۲۱۵

یاد شد؛ این گزارش مدعی می‌شود که ایران با توسعه توان موشکی خود تا سال ۲۰۲۰ این توانایی را کسب خواهد کرد که بخش‌هایی از خاک اروپا را در تیررس داشته باشد. از این رو در گزارش ادعا می‌شود راهبرد ناتو بر اساس ماده ۵ اساس نامه‌ای سازمان باید دفاع همه جانبه در برابر تهدیدات موشکی ایران و حمایت از اعضای این سازمان باشد (U.S.- Russia Strategic Framework Declaration, 2008:22).

در نهایت بر اثر تصمیمات اتخاذ شده این پروژه مبتنی بر یک «رویکرد دفاع مرحله‌ای و انعطاف‌پذیر» در چهار مرحله زیر از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ با کمک شرکاء و نهادهای همکار ایالات متحده وارد فاز عملیاتی شد:

● مرحله اول (تا سال ۲۰۱۲): در این مرحله سامانه‌های موشکی مورد تأیید و حسگرهای قادر به شناسایی موشک‌های مهاجم در خاک اروپا مستقر شد.

● مرحله دوم (از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵): در این مرحله استقرار اولیه سامانه‌های دریا پایه و زمین پایه برای دفاع از خاک اروپا در برابر موشک‌های کوتاه برد و برد متوسط بالستیک انجام گردید.

● مرحله سوم (از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸): در این مرحله دفاع در دریا و خشکی در برابر موشک‌های میان برد بالستیک تکمیل خواهد شد.

● مرحله چهارم (از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۰): در این مرحله توانایی رهگیری سریع علیه موشک‌های با برد متوسط و میان برد احراز می‌شود و در درجه بعد توانایی دفاع در برابر موشک‌های بالستیک قاره‌پیما تقویت می‌شود. در این دوره، عرصه دفاعی دو برابر خواهد شد تا این سامانه بتواند به طور همزمان با ۵۰ موشک مهاجم درگیر شود و صدها موشک را رهگیری کند (همان).

فرایند گسترش ناتو به مرزهای ژئوپلیتیکی ایران

جمهوری اسلامی ایران ثبات و امنیت در منطقه خاورمیانه را منوط به خروج نیروهای بیگانه از منطقه می‌داند. ایران در قبال مسئله فلسطین موضعی غیر از موضع غرب و برخی از کشورهای منطقه دارد. در اجلاسیه استانبول، سران ناتو بر تلاش برای جلوگیری از اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی تأکید کردند. آمریکا درصدد است مواضع کشورهای اروپایی را در مورد مسائل هسته‌ای ایران به موضع خود نزدیک نماید و با معرفی ج.ا.ایران به عنوان خطر بالقوه هسته‌ای،

۱۲۲ فصلنامه امنیت ملی، سال هشتم، شماره بیست و هفتم، بهار ۱۳۹۷

محدودیت‌های بین‌المللی بر ضد کشورمان را افزایش دهد. مشارکت گروه ۵+۱ را می‌توان نمادی از همکاری کشورهای اروپایی عضو ناتو با آمریکا در ارتباط با قابلیت اصلی ج.ا.ایران دانست. تداوم همکاری‌های ناتو با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس می‌تواند در ابعاد سیاسی، اقتصادی و نظامی - امنیتی تبعانی منفی برای ج.ا.ایران در پی داشته باشد. همکاری ناتو با کشورهای منطقه، برای مقابله با تروریسم، بنیادگرایی و امحای سلاح‌های کشتار جمعی است. ناتو همکاری‌های خود در زمینه تبادل اطلاعات گفت‌وگوهای امنیتی با کشورهای حوزه خلیج فارس و کشورهای حاشیه مدیترانه را آغاز نموده است. چنین فرآیندی محدودیت‌های بیشتری را برای ج.ا.ایران ایجاد می‌کند (International Institute for Strategic Studies 2020:75).

خلیج فارس از چند سو برای ناتو اهمیت دارد: نخست اینکه، این منطقه در مرکز خاورمیانه است؛ دوم اینکه، خلیج فارس از مهم‌ترین خاستگاه‌های پایداری اسلامی در برابر غرب است که خود را با پدیده تروریسم نشان داده است؛ سوم اینکه، بیش از ۶۰ درصد نفت و ۴۰ درصد گاز طبیعی جهان را در خود جای داده است و چهارم اینکه، دلارهای نفتی، توجه بسیاری از کشورهای پیشرفته را به خود جلب می‌کند و هر یک از آن‌ها می‌کوشد سهمی از این دلارها به دست آورد (متقی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۰۰).

در نشست استانبول طرحی به تصویب رسید که «ابتکار همکاری‌های استانبول» خوانده می‌شود. برجسته‌ترین توافقات در چارچوب ابتکار استانبول، مقابله با گروه‌های تروریستی بین‌المللی، مبارزه با گسترش جنگ‌افزارهای ویژه نابودی گروهی، دادوستد غیرقانونی جنگ‌افزار و نیز همکاری در عملیات صلح ناتو را در برمی‌گیرد. برای نظارت بر فرایند دگرگونی در ساختار دفاعی کشورهای خاورمیانه‌ای خواهان پیوستن به ناتو، در نشست‌های استانبول و ریگا (۲۰۰۶) مقرر شد دفترهایی به نام «دفتر نمایندگی منطقه‌ای» در این کشورها برپا شود. دفتر نمایندگی ناتو در کشورهای حوزه خلیج فارس را باید نماد تهدید امنیتی علیه ج.ا.ایران دانست (احدی، ۱۳۸۹: ۳۶).

اجلاس ناتو در بحرین در ۲۴ آوریل ۲۰۰۸ را می‌توان یکی از نقاط عطف تاریخی در گسترش همکاری‌های امنیتی در حوزه منطقه‌ای دانست. در اجلاس بحرین توافقی‌هایی برای مبادله اطلاعات و همکاری‌های امنیتی مطرح شد. توافقی‌های جدید را می‌توان بخشی از ضرورت گسترش ناتو از اروپا به حوزه خاورمیانه و خلیج فارس دانست. در اجلاس بحرین توافقی‌های لازم برای مشارکت عملیاتی اعضای ناتو و به‌ویژه اعضای اروپایی ناتو برای برقراری پیوندهای نزدیک‌تر با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس انجام گرفت (محمدی، ۱۳۸۹: ۲۳۵).

۴ تبیین پیامدهای ژئوپلیتیکی قلمروگستری ناتو بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۳۰

همسایگان ایران به لحاظ مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی از اهمیت ویژه‌ای برای ناتو به‌طور عام و ایالات متحده آمریکا به‌طور خاص برخوردار هستند. به همین منظور، تمرکز ناتو در خاورمیانه و آسیای مرکزی و قفقاز برای واپایش و مدیریت این مؤلفه‌های قدرت، می‌تواند آثار و پیامدهای قابل توجهی را بر امنیت ملی ج.ا.ایران به‌جا گذارد. بر اساس چنین رویکردی، سیاست نگاه به شرق این پیمان و گسترش ناتو پیرامون مرزهای ج.ا.ایران فضای تنفس راهبردی ایران را محدود و محصور می‌کند. اگر آمریکا در مقاطع زمانی مختلف موضوع مربوط به گزینه نظامی را مورد توجه و تأکید قرار می‌دهد، به معنای آن است که تلاش دارد تا از قابلیت ژئوپلیتیکی خود در کشورهای منطقه خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز استفاده نماید. برپایی اجلاس‌های متعدد در خصوص روابط امنیتی ناتو و خلیج فارس در کشورهای حاشیه جنوبی این حوزه و تأکید بر لزوم همکاری‌های امنیتی میان ناتو و کشورهای حاشیه خلیج فارس، مذاکرات با رژیم صهیونیستی و ارتقا از سطح «گفت‌وگو» به «همکاری» برای مقابله با تروریسم در زمره این‌گونه مأموریت‌ها تلقی می‌شود (متقی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۲۹).

جدول ۱. تعاملات ناتو و کشورهای پیرامونی ج.ا.ایران^۱

ردیف	کشور	توضیحات
۱	ترکیه	نیروهای چندملیتی ناتو در قالب AMF ^۲ از ژانویه ۱۹۹۱ در مناطق جنوب شرقی ترکیه مستقر شدند. در سال‌های بعد ترکیه حضور فعالی در ابتکارهای جدید ناتو داشت و در برنامه‌هایی نظیر برنامه کاری «گفت‌وگو مشارکت و همکاری» ^۳ و یا ابتکار «مشارکت برای صلح» شرکت کرد. ناتو نیز همواره از پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپایی و نیز از مواضع این کشور در قبال قبرس حمایت کرده و گروه جدایی طلبان کُرد این کشور مرسوم به پ.ک.ک را در لیست گروه‌های تروریستی قرار داد. ترکیه برای ورود احتمال پناهندگان به این کشور توسط اعضای ناتو تجهیز شد و کمک‌های اضطراری پزشکی و امدادی در مرزهای ترکیه تحت عنوان نهاد EADRCC ^۴ مستقر شدند. روابط ترکیه با آذربایجان و مناسبات دوستانه آن با رژیم صهیونیستی، وجود پایگاه‌های نظامی آمریکایی و استقرار سپر دفاع موشکی ناتو در این کشور و یکی از مهم‌ترین مسیرهای انتقال انرژی به اروپا از حوزه خزر و شمال عراق همگی مؤید اهمیت ژئواستراتژیک این کشور برای ناتو می‌باشند.

^۱ - برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: متقی، ابراهیم؛ کوه خیل، مرجان؛ پازن، مژگان (۱۳۹۱). عوامل گسترش مرزهای ژئوپلیتیکی ناتو و امنیت ملی ج.ا.ایران، تهران: مرکز تحقیقات راهبر دفاعی.

^۲ The Ace Mobile Force

^۳ work plan of Dialogue, Partnership and Cooperation

^۴ Euro-Atlantic Disaster Response Coordination Center

ردیف	کشور	توضیحات
۲	عراق	<p>با تشکیل اجلاس استانبول در ژوئن ۲۰۰۴، ناتو نحوه همکاری این سازمان را با استناد به قطعنامه ۱۵۴۶ شورای امنیت در رفع بحران عراق به شرح زیر اعلام کرد:</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱. برقراری ارتباط با دولت موقت و نیروهای چندملیتی. ۲. همکاری با مقامات عراقی در زمینه‌ی بازسازی ساختارهای دفاعی و نظامی این کشور. ۳. شناسایی و انتخاب تعدادی از کارکنان عراقی برای آموزش در خارج کشور. ۴. همکاری نزدیک با دولت موقت و نیروهای چندملیتی برای بسترسازی و گسترش میانی آموزش امنیتی - نظامی ناتو در این کشور. (تیشه‌یار، روزنامه شرق، ۱۳۸۳/۵/۱۴) <p>به این ترتیب حضور محدود ناتو در عراق از سال ۲۰۰۳ تاکنون به سوی گسترش تدریجی همکاری‌های دفاعی و نظامی در چهارچوب مسائلی نظیر مبارزه با تروریسم و مقابله با انتشار تسلیحات کشتار جمعی در خاورمیانه و به ویژه خلیج فارس پیش می‌رود یعنی قطب دیگری برای حضور ناتو در سطح منطقه باهدف برقراری امنیت حفظ موازنه قوا و محافظت از مبادی عبوری انرژی.</p>
۳	روسیه	<p>فلسفه وجودی ناتو در دوران بعد از جنگ جهانی دوم بر پایه مبارزه با اتحاد شوروی و ایدئولوژی کمونیسم شکل گرفت. به دنبال فروپاشی اتحاد شوروی در بیست و دوم ژانویه سال ۱۹۹۲ اجلاس با حضور ۴۷ کشور جهان در واشینگتن تشکیل شده و به بحث پیرامون نحوه کمک به کشورهای تازه استقلال یافته پرداخت. به دنبال پیوستن روسیه به ابتکار مشارکت برای صلح در می ۱۹۹۵ و آغاز گفت‌وگوهای ناتو و روسیه روابط این پیمان با مهم‌ترین رقیب خود در دوران جنگ سرد وارد مرحله جدیدی شد. خاویر سولانا در مارس ۱۹۹۶ به روسیه سفر کرده و در سخنرانی خود در شورای سیاست‌گذاری خارجی و امنیتی روسیه با استقبال از همکاری نیروهای روسی و نظامی ناتو در بالکان آن را مقدمه همکاری‌های آتی این دو ارتش در راستای تأمین امنیت اروپا در آینده دانست. این توافق‌نامه شامل تأسیس «شورای دائمی ناتو - روسیه» شد و به دنبال آن روسیه از اکتبر همان سال دارای یک نماینده نظامی دائمی در ناتو شد.</p>

تبیین پیامدهای ژئوپلیتیکی قلمروگستری ناتو بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۵۰

ردیف	کشور	توضیحات
۴	آمریکا	<p>پیشینه دغدغه ناتو در مورد وضعیت افغانستان به دوران اشغال این کشور توسط نیروهای ارتش سرخ در سال ۱۹۷۹ بازمی‌گردد. به دنبال وقوع حوادث یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ بحث مبارزه با تروریسم بیش‌ازپیش در دستور کار ناتو قرار گرفت و حوزه مبارزه شامل افغانستان، بالکان، مدیترانه و نیز محافظت از کشورهای عضو ناتو گشت؛ بنابراین در همین راستا هنگامی‌که در هفتم اکتبر سال ۲۰۰۱ حمله امریکا و انگلیس به افغانستان در قالب مبارزه با گروه تروریستی القاعده آغاز شد اعضای ناتو حمایت کامل خود را از این اقدام ابراز داشتند. به دنبال خاتمه جنگ در افغانستان نیروهای بین‌المللی برقرارکننده ثبات در افغانستان (ایساف)^۱ (متشکل از نیروهای کشورهای مختلف عضو این سازمان) باهدف کنترل اوضاع و حفظ امنیت در آن کشور مستقر شدند. وظایف اصلی و اعلام‌شده نیروهای ایساف در ۸ بند خلاصه می‌شد:</p> <p>۱. کمک به دولت افغانستان به‌منظور اعمال حاکمیت خود در سراسر سرزمین افغانستان.</p> <p>۲. کمک به دولت افغان در انجام فرایند اصلاحات در بخش امنیتی.</p> <p>۴. آموزش و تقویت ارتش ملی افغانستان.</p> <p>۵. کمک به دولت افغانستان برای اجرای برنامه خلع سلاح گروه‌های غیرقانونی مسلح.</p> <p>۶. کمک به دولت افغانستان برای کنترل تولید و قاچاق موادمخدر.</p> <p>۷. ارسال کمک‌های بشردوستانه برای مردم افغان.</p> <p>۸. تشکیل و تقویت پلیس افغانستان</p> <p>(http://www.nato.int/docu/basicxt/b561213a.htm)</p>
۵	پاکستان	<p>فروپاشی پیمان ستو در ۱۹۷۹ و بالا گرفتن تعارضات میان هند و پاکستان طی دهه ۱۹۸۰ و تحول در ساختار نظام بین‌الملل در دهه ۱۹۹۰ این کشور را از کانون توجه اعضای ناتو دور کرده بود ولی حوادث یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ و آغاز مبارزه علیه تروریسم پاکستان را بار دیگر در مرکز توجهات ناتو قرار داد. از مارس ۲۰۰۵ تا می ۲۰۰۷ همکاری‌های ناتو با پاکستان در زمینه آموزش نیروهای نظامی و ایجاد مرکز عملیات اطلاعاتی مشترک و توافق همکاری امنیتی در افغانستان (درزمینه نحوه کنترل جنوب افغانستان و مرز میان دو کشور) ادامه داشته است.</p>

^۱ International stabilization force in Afghanistan (isaf)

ردیف	کشور	توضیحات
۶	ایران	<p>ناتو حمایت لجستیکی و تجهیز ارتش‌های منطقه آسیای مرکزی و قفقاز در مبارزه با تروریسم و بنیادگرایی را سرلوحه عمل (پس از فروپاشی شوروی و ورود ناتو به حیات خلوت ابرقدرت شرق) و در همسایگی منطقه قفقاز قرار داد و آمریکا نیز ضمن تقویت روابط نظامی با کشورهای منطقه، ژاپن، استرالیا و دیگر دولت‌های آسیایی پیگیر مذاکراتی مبنی بر عزم آن کشور برای توسعه یک پیمان امنیت آسیایی (ناتوی آسیایی)^۱ بوده است. کنگره آمریکا با تصویب «قطعنامه آزادی پایدار»^۲ شرایط را برای ادامه حضور همه‌جانبه آمریکا در منطقه فراهم ساخته است؛ به‌این ترتیب، اهداف کلی ناتو برای حضور در این منطقه را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱. دستیابی به وجود منابع غنی انرژی، خطوط انتقال انرژی و نیز بازار مصرف گسترده و نسبتاً جدید برای تولیدات غرب؛ ۲. کمک به آمریکا برای تکمیل ضلع سوم محاصره ایران از سمت شمال (پس از اشغال افغانستان در شرق و عراق در غرب). اتصال این محاصره به ترکیه به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین اعضای ناتو، بر اهمیت آن می‌افزاید؛ ۳. جذب کشورهای شمالی ایران به‌سوی ناتو، به‌طور طبیعی گسترش فرهنگ غرب در منطقه و محدودسازی نفوذ سیاسی و تأثیر فرهنگی انقلاب اسلامی در این منطقه (که دارای پیوندهای تاریخی فرهنگی با ایران است) را در پی خواهد داشت؛ ۴. تسهیل در حرکت غرب به‌سوی خاورمیانه و حضور ناتو در آنجا و در اختیار گرفتن مدیریت بحران در کشورهای اسلامی به‌منظور گسترش امکان تحرک نظامی بیشتر و نمایش قدرت غرب به کشورهای منطقه؛ ۵. کمک به اجرای برنامه نشر دموکراسی در خاورمیانه بزرگ؛ ۶. از میان بردن هرگونه احتمال نزدیکی مجدد کشورهای منطقه به روسیه و پر کردن خلأ امنیتی از طریق عقد قراردادهای نظامی امنیتی در غیاب کشورهای غربی؛ ۷. افزایش نفوذ ناتو در قفقاز و آسیای مرکزی به‌منظور سنگین کردن وزنه غرب در برابر روسیه، فشار بر جمهوری اسلامی و کنترل چین در آینده.

۱. Asian Nato

۲. Enduring Freedom Act

✦ تبیین پیامدهای ژئوپلیتیکی قلمروگستری ناتو بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۵

ردیف	کشور	توضیحات
۷	عراق	در مارس ۲۰۰۵ اجلاس ناتو و خاورمیانه بزرگ تشکیل شده و برای نخستین بار، بر لزوم نزدیکی ناتو با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس تأکید شد. در این نشست، از نمایندگان کشورهای کویت، بحرین و قطر نیز جهت حضور و اعلام نظر دعوت به عمل آمده بود. در واقع، ناتو تلاش‌های خود را برای تکرار برنامه‌ای مشابه طرح «گفت‌وگوهای مدیترانه‌ای» در نقطه‌ای دیگر از جهان آغاز کرده بود. چندی بعد، امارات متحده عربی نیز در ژوئن ۲۰۰۵ آمادگی خود را برای آغاز گفت‌وگوها با ناتو که از طرح «ابتکار همکاری استانبول» در سال ۲۰۰۴ سرچشمه گرفته بود، اعلام کرد. البته امارات متحده پیش‌از این نیز در سال ۱۹۹۹ در قالب نیروهای مستقر در کوزوو ^۱ به همراه نیروهای چندملیتی ناتو و برخی کشورهای متحد آن، به همکاری با این سازمان پرداخته بود.

محورهای توجه ناتو به ج.ا.ایران

ج.ا.ایران از زمان سقوط رژیم شاه و پیروزی انقلاب، با اتخاذ سیاست نه شرقی و نه غربی، سیاست خارجی از مستقلی را نسبت به موضوع‌های جهانی اتخاذ کرده است. این سیاست موجب شده است ایران با توجه به گستردگی تمدن ایرانی - اسلامی و پیوندهایی فرهنگی و تاریخی که با کشورهای پیرامون خود دارد، در مناطق قفقاز، آسیای مرکزی، کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، پاکستان و کشورهای همسایه غربی یعنی عراق و ترکیه تا شاخ آفریقا، منطقه‌ای راهبردی برای خود ایجاد کند و از امکانات بالقوه و بالفعل برای گسترش همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه منطقه‌ای و جهانی برخوردار شود. اتخاذ چنین رویکردی توسط ایران در سه دهه گذشته که به تعمیق جایگاه و موقعیت آن در منطقه انجامیده، ناتو و به خصوص آمریکا را به تمرکز بیشتر بر موضوع ایران کشانده است (متقی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۳۰).

جدول ۲. برخی از محورهای توجه ناتو به ج.ا.ایران

ردیف	موضوع مورد توجه	توضیحات
۱	ذخایر انرژی	بر اساس آمار وزارت انرژی آمریکا در سال ۲۰۱۰، ایران با ۱۳۷/۶ میلیارد بشکه نفت، دارنده سومین ذخیره نفتی پس از عربستان و کاناداست. طبق همین آمار، ایران با تولید روزانه ۳/۸ میلیون بشکه، دومین تولیدکننده نفت در بین کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) است. ایران همچنین با ۱۰۴۵/۷ تریلیون فوت مکعب ذخیره گاز طبیعی، دارنده دومین ذخایر گازی در جهان پس از روسیه به شمار می‌آید (January 2010 Iran Energy Data).

^۱. The Kosovo Force-Kfor

ردیف	موضوع موردتوجه	توضیحات
		با توجه به وجود این حجم از ذخایر راهبردی نفت و گاز در ایران، این کشور تاکنون نقش جدی در بازارهای بین‌المللی انرژی ایفا کرده است. ایران مانند پلی راهبردی میان خلیج فارس و دریای خزر که به «بیضی راهبردی» مشهور است، این دو منبع عظیم انرژی جهان را به یکدیگر پیوند داده است. به این ترتیب این گونه به نظر می‌رسد که در حوزه انرژی نه تنها بحث «سرزمین قلب» به دنیای ژئوپلیتیک بازگشته است، بلکه از محل قدیمی خود در اوراسیا حرکت کرده و میان دو دریای خزر و خلیج - فارس جای گرفته است؛ آن گونه که ایران در مرکز این سرزمین قلب جدید قرار می‌گیرد (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۲۸۵).
۲	موقعیت ژئوپلیتیک	ایران در مرکز ثقل سه منطقه ژئواستراتژیک خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز و شبه‌قاره هند قرار دارد. مرزهای مشترک ایران با ۱۵ کشور همسایه که هریک به گونه‌ای با مؤلفه‌های امنیتی آمریکا و غرب ارتباط دارند، از اهمیت ویژه‌ای برای ناتو برخوردار است. از سوی دریای خزر در شمال و خلیج فارس در جنوب ایران محلی برای تأمین و عبور انرژی، حائز اهمیت ژئوپلیتیک است. ۷۰ درصد نفت و بیش از ۴۰ درصد گاز طبیعی جهان در این دو منطقه وجود دارد (جعفری‌ولدانی، ۱۳۸۱: ۶).
۳	ظرفیت‌های ایدئولوژیک	پیروزی انقلاب اسلامی، زمینه‌ساز احیای هویت اسلامی در دیگر نقاط جهان اسلام گردید و از این حیث، شاهد شیوع و گسترش حرکت اسلام‌گرایی در جهان بوده‌ایم. ترویج ارزش‌های موردنظر ناتو که به عنوان یکی از هدف‌های مأموریت‌های این سازمان نظامی در سال‌های پس از فروپاشی کمونیسم قرار گرفت، به‌طور عمده با گفتمان برخاسته از انقلاب اسلامی که بر پایه حفظ استقلال سیاسی و حاکمیت ملی و نظام مردم‌سالاری دینی استوار است، در تناقض آشکار قرار داد.
۴	قابلیت‌های علمی و فناوری	ایران از معدود کشورهای منطقه و جهان است که افزون بر واردات تجهیزات نظامی، به دنبال خودکفایی در فناوری نظامی است. افزون بر این، تحقیقات هسته‌ای ایران با وجود فشارهای بین‌المللی ادامه دارد. کشورهای غربی بر این باورند که دستیابی ایران به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای می‌تواند موازنه قدرت در خاورمیانه را برهم زند و تقابل میان ایران با منافع آن‌ها در کشورهای جنوبی خلیج فارس و هم‌پیمانان آمریکا را آشکارتر نماید. همچنین این امر می‌تواند موازنه قدرت را به زیان رژیم صهیونیستی تغییر دهد. (محمدی، ۱۳۸۹: ۲۶۹).

+ تبیین پیامدهای ژئوپلیتیکی قلمروگستری ناتو بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۰

تجزیه و تحلیل:

در این تحقیق ابتدا اطلاعات جمع‌آوری شده از منابع مورد مطالعه بر اساس متغیرهای پژوهش دسته‌بندی و اطلاعات مورد نیاز گردآوری شد تا پیشینه، اهداف و نقش ژئوپلیتیکی ناتو (متغیر مستقل) مشخص گردند. سپس نظرات ارائه شده توسط خبرگان و صاحب نظران دسته‌بندی و پس از بررسی، مشترکات و موارد اختلاف آن‌ها مورد تحلیل محتوایی قرار گرفت. در ادامه، تلخیص اطلاعات گردآوری شده بر اساس یافته‌های پژوهش صورت گرفت تا پردازش داده‌ها با تمرکز بر اهداف پژوهش تسهیل و تجزیه و تحلیل نهایی بر اساس نتایج به دست آمده و منطبق بر مؤلفه‌های امنیت ملی ج.ا.ایران (متغیر وابسته) در قالب تحلیل کیفی و کمی، انجام گردد.

بنابراین ابتدا منطبق با متغیرهای مرتبط با تحقیق، منابع موجود گردآوری و به منظور تکمیل اطلاعات و جامعیت بخشیدن به آن (افزایش روایی و پایایی)، نسبت به جمع‌آوری اطلاعات پیرامون موضوع از متخصصین و افراد خبره از طریق انجام مصاحبه (با تعداد ۲۰ نفر از نخبگان اطلاعاتی - امنیتی) و توزیع پرسشنامه اقدام و با بهره‌برداری از جداول استنباطی با رویکرد مشخص نمودن سطح وزن متغیرهای مورد نظر و همچنین اخذ میزان تأثیرگذاری مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی ناتو بر مؤلفه‌های امنیت ملی ج.ا.ایران نسبت به تجزیه و تحلیل نهایی به منظور بسترسازی ارائه‌ی نتایج اقدام گردید.

جدول ۳. شاخصه نقش ژئوپلیتیکی ناتو بر امنیت ملی ج.ا.ایران

نقش ژئوپلیتیکی ناتو بر امنیت ملی ج.ا.ایران		وضعیت و شرایط عوامل ژئوپلیتیکی ناتو
امنیت ملی ج.ا.ایران		
عینی	ماهیتی	پیمان‌نامه‌ها آرایه‌ها/تجهیزات نوع عملکرد محل استقرار/پایگاه‌ها سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها ملاحظات تاکتیکی تهاجم ائتلافی
ذهنی		
سیاسی	موضوعی	
نظامی		
اقتصادی		
اجتماعی		
فرهنگی		
داخل کشور	گستره قلمرو	
گستره جغرافیایی راهبردی	جغرافیایی	

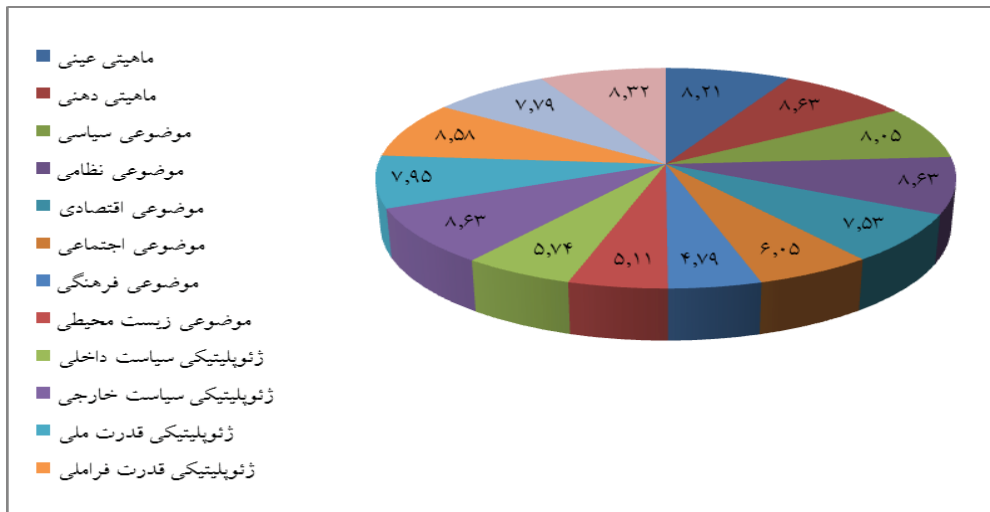
۱۳۰ فصلنامه امنیت ملی، سال هشتم، شماره بیست و هفتم، بهار ۱۳۹۷

بر اساس نتایج حاصل از تحلیل پرسشنامه ارزیابی سطح تأثیرپذیری و پیامدهای امنیتی حوزه‌ی امنیت ملی ج.ا.ایران از نقش ژئوپلیتیکی ناتو، وزن اهمیت مؤلفه‌های امنیت ملی ج.ا.ایران در جدول شماره ۴ ارائه می‌گردد:

جدول (۵): مقایسه‌ی وزنی اهمیت مؤلفه‌های امنیت ملی ج.ا.ایران

وزن	اولویت	مؤلفه‌های امنیت ملی	
۸/۲۱	۴	عینی	ماهیتی
۸/۶۳	۱	ذهنی	
۸/۰۵	۶	سیاسی	موضوعی
۸/۶۳	۱	نظامی	
۷/۵۳	۸	اقتصادی	
۶/۰۵	۹	اجتماعی	
۴/۷۹	۱۲	فرهنگی	
۵/۱۱	۱۱	زیست‌محیطی	
۵/۷۴	۱۰	داخلی	سیاست
۸/۶۳	۱	خارجی	
۷/۹۵	۵	ملی	قدرت
۸/۵۸	۲	فراملی	
۷/۷۹	۷	سرزمینی	جغرافیا
۸/۳۲	۳	فراسرزمینی	

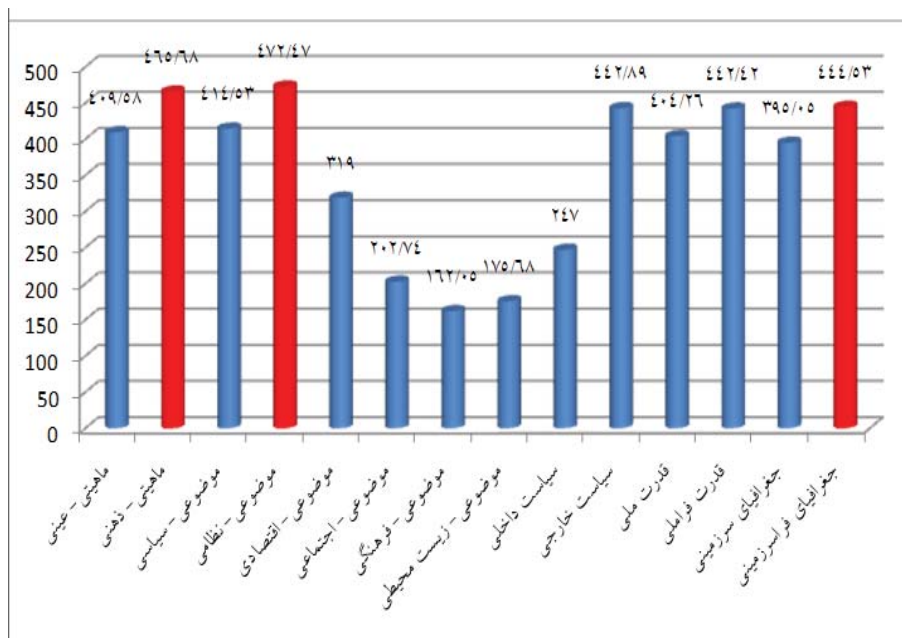
تبيين پيامدهاى ژئوپليتيكى قلمروگستري ناتو بر امنيت ملي جمهورى اسلامى ايران ۱۳۱۵



شكل ۵. مقايسه وزنى اهميت مؤلفه‌هاى امنيت ملي ج.ا.ايران

سطح ابعاد امنيتى ج.ا.ايران متأثر از عوامل نقش ژئوپليتيكى ناتو:

در شكل شماره ۶، سطح ابعاد امنيتى ج.ا.ايران متأثر از عوامل نقش ژئوپليتيكى ناتو نشان داده مى‌شود:

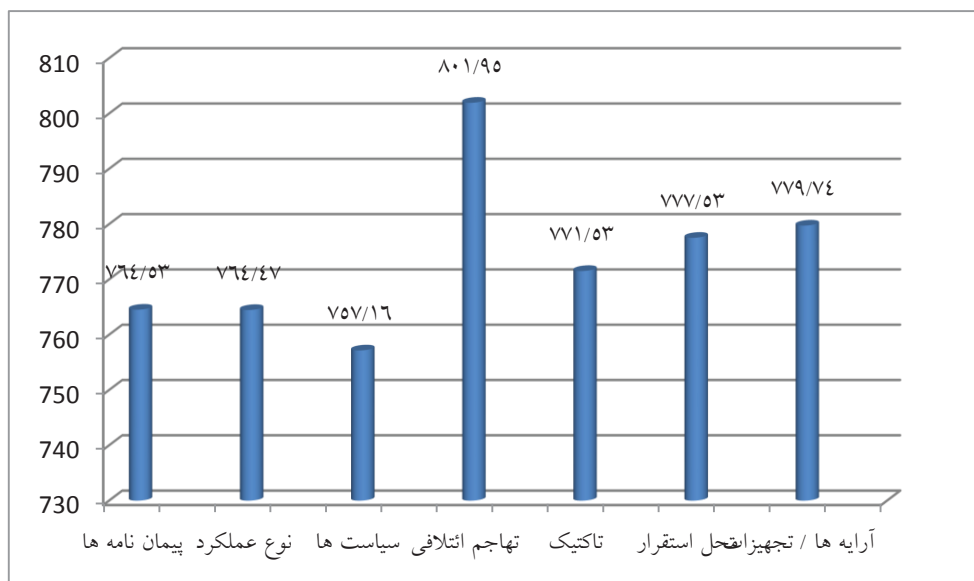


شكل ۶. ابعاد امنيت ج.ا.ايران متأثر از نقش ژئوپليتيكى ناتو

۱۳۲ فصلنامه امنیت ملی، سال هشتم، شماره بیست و هفتم، بهار ۱۳۹۷

سطح تأثیر (اولویت بندی) عوامل نقش ژئوپلیتیکی ناتو بر امنیت ملی ج.ا.ایران:

در شکل شماره ۷، سطح تأثیر (اولویت بندی) عوامل نقش ژئوپلیتیکی ناتو بر امنیت ملی ج.ا.ایران نشان داده می شود:



شکل ۷. سطح تأثیر عوامل نقش ژئوپلیتیکی ناتو بر امنیت ملی ج.ا.ایران

نتیجه گیری و پیشنهاد

تمرکز ناتو در رویکردهای امنیتی بر برقراری امنیت مورد نظر اعضای خود از طریق نهادسازی های مرتبط در مناطق مختلف جهان منطبق بر سیطره طلبی های آمریکا و سازوکار دفاعی - امنیتی آن است و این ترویج ارزش ها به طور عمده با گفتمان انقلاب اسلامی ایران مبتنی بر حفظ استقلال سیاسی و حاکمیت ملی کشور بر پایه نظام مردم سالار دینی و نفی استکبار جهانی (گفتمان رایج در نظام های غربی در لایه لیبرالیسم) مغایرت دارد که این خود به عنوان معمای امنیتی مؤثر در برهم خوردن تعادل روابط ایران با اتحادیه ناتو و نظام های منطقه ای که متأثر از تئوری ایران هراسی غالب شده غرب بر آن هاست، به شمار می رود. این موضوع را به شرح ذیل می توان دسته بندی کرد:

الف) پیامدهای امنیتی

۱. تغییر نگرش در مقابله با تروریسم در سطح منطقه.
۲. گسترش پیمان های نظامی و امنیتی ناتو.

۴ تبیین پیامدهای ژئوپلیتیکی قلمروگستری ناتو بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۳۵

۳. تشکیل شبکه‌ای از پایگاه‌های نظامی و اطلاعاتی آمریکا در مناطق هم‌جوار ایران.
۴. همکاری‌های امنیتی میان ناتو و کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس و آسیای مرکزی - قفقاز جنوبی.
۵. مذاکره و تعاملات ناتو با رژیم صهیونیستی.

ب) پیامدهای سیاسی

۱. ایجاد فضای جدید ژئوپلیتیک و گسترش حریم امنیتی برای کشورهای عضو پیمان ناتو در منطقه
۲. سعی در تنگ کردن عرصه نفوذ و واپایش (کنترل) راهبردی ج.ا.ایران
۳. سعی در پیشبرد هدف رو به رشد کاهش مناسبات سیاسی ایران با همسایگان از طریق ایجاد ایران‌هراسی

پ) پیامدهای اقتصادی

۱. فشار تحریم‌های اقتصادی بر ایران.
 ۲. جلوگیری از رسیدن منابع انرژی ایران به بازارهای دنیا.
 ۳. به حاشیه راندن ایران در طرح خط لوله‌های انتقال نفت و گاز به اروپا.
- بنابراین بر اساس تحلیل‌های صورت پذیرفته از دو حوزه مطالعه منابع و اخذ نظرات خبرگان به نظر می‌رسد که سطح تأثیرپذیری و پیامدهای امنیتی حوزه‌ی امنیت ملی ج.ا.ایران از نقش ژئوپلیتیکی ناتو در ابعاد ماهیتی در بُعد ذهنی، ابعاد موضوعی در بُعد نظامی و ابعاد ژئوپلیتیکی در بُعد جغرافیای فراسرزمینی است، بنابراین ج.ا.ایران می‌تواند با استفاده از دیپلماسی فعال بر پایه مشارکت‌های منطقه‌ای و استفاده از راهکارهای مشروحه‌ی ذیل جهت فائق آمدن بر چالش‌های پیشروی این حوزه با توجه به گسترش ژئوپلیتیکی ناتو در منطقه اقدام نماید:
۱. تبیین سازوکارهای منطقه‌ای بومی با تأکید بر سازوکارهای تأمین امنیت انرژی در سطح منطقه و جهان، همکاری‌های اطلاعاتی و تعامل سازنده به موازات سیاست بازدارندگی.
 ۲. تبیین رویکردهای جامع و برنامه‌ریزی کلان توسعه‌ای جهت مدیریت نگرانی‌های امنیتی مشترک (همچون تروریسم، تنش‌های قومیتی، بحران‌های زیست‌محیطی و ...) با تأکید بر مشترکات دینی و فرهنگی، گسترش همکاری‌های اقتصادی و فرهنگی و تلاش برای حل اختلاف‌ها.

۱۳۴ فصلنامه امنیت ملی، سال هشتم، شماره بیست و هفتم، بهار ۱۳۹۷ +

۳. تلاش جهت مشارکت جدی همه کشورهای منطقه در سازمان‌دهی ساختار امنیتی منطقه‌ای مؤثر با در نظر داشتن سه دغدغه اصلی (تروریسم و افراط‌گرایی، بحران اقتدار (دولت‌های ضعیف) و مداخله‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای) با تأکید بر اعتمادسازی و تنش‌زدایی و اتخاذ رویکردی مؤثر در سطح روابط منطقه‌ای و تعامل با دیگر بازیگران.

+ تبیین پیامدهای ژئوپلیتیکی قلمروگستری ناتو بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۵۵

منابع و مأخذ:

منابع فارسی:

- احدی، افسانه (۱۳۸۹). «مفهوم استراتژیک نوین ناتو: آینده مناسبات فرا آتلانتیک»، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۲۴.
- احمدی، کوروش (۱۳۸۴). تقابل بین واقعیت ژئوپلیتیکی و رژیم حقوقی حاکم بر توسل به زور، روندهای بین‌المللی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- بلاکسل، مارک (۱۳۸۹). جغرافیای سیاسی، ترجمه‌ی محمدرضا حافظ‌نیا، عطاله عبدی، حسین ربیعی و عباس احمدی، تهران: نشر انتخاب.
- بهزادی، حمید (۱۳۶۸). اصول و روابط بین‌الملل و سیاست خارجی، چاپ دوم، تهران: انتشارات دهخدا.
- تیشه‌یار، ماندانا (۱۳۸۳). «بازی جدید ناتو در عراق»، روزنامه شرق، ۱۳۸۳/۵/۱۴.
- جعفری‌ولدانی، اصغر (۱۳۸۱). ژئوپلیتیک جدید دریای سرخ و خلیج فارس، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، چاپ اول، مشهد: انتشارات پاپلی.
- خادمی، غلامرضا (۱۳۸۲). «ناتو در همسایگی ایران»، روزنامه اعتماد، مردادماه.
- رضایی میرقائد، محسن (۱۳۸۴). ایران منطقه‌ای، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- ره‌پیک، حسن (۱۳۷۷). «امنیت ملی و تهدید حقوقی آن»، فصلنامه راهبردی، پیش‌شماره دوم، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سایت ایراس (۱۳۹۵). وحدت ناتو در اجلاس‌های اخیر (بروکسل، لژبن پرتگال و ورشو ۲۰۱۴-۲۰۱۶).
- سلیمی، حسین (۱۳۸۸). «آسیای جنوب‌غربی به‌عنوان یک منطقه؛ تحلیل قابلیت اطلاق منطقه به آسیای جنوب غربی»، فصلنامه‌ی ژئوپلیتیک، شماره چهاردهم، سال پنجم.
- کاویانی‌راد، مراد (۱۳۹۲). پردازش مفهوم قلمرو از دیدگاه جغرافیای سیاسی، تهران: دانشگاه خوارزمی.
- کوهن، سائول (۱۳۸۷). ژئوپلیتیک نظام جهانی، ترجمه عباس کاردان، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۳). تاریخ دیپلماسی و روابط بین‌الملل، تهران: نشر قومس.
- متقی، ابراهیم؛ کوه‌خیل، مرجان؛ پازن، مژگان (۱۳۹۱). عوامل گسترش مرزهای ژئوپلیتیکی ناتو و امنیت ملی ج.ا.ایران، تهران: مرکز تحقیقات راهبر دفاعی.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: انتشارات سمت.

۱۳۶ فصلنامه امنیت ملی، سال هشتم، شماره بیست و هفتم، بهار ۱۳۹۷

- محمدی، محمود (۱۳۸۸). اثر مأموریت‌های جدید ناتو بر منافع و امنیت ملی ج.ا.ایران، تهران: مرکز تحقیقات راهبردی.
- مرادیان، محسن (۱۳۸۵). درآمدی بر ابعاد و مظاهر تهدیدات، تهران: انتشارات راشا.
- مرادیان، محسن (۱۳۸۷). شاخص‌های اصلی سنجش قدرت نظامی کشورها، ارائه‌شده در کنگره سراسری اقتدار عملی - اقتدار ملی، تهران.
- مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۸۷). «تحولات الگویی سیاست خارجی آمریکا بعد از جنگ سرد»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۱.
- مویر، ریچارد (۱۳۷۹). درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه‌ی دره‌میرحیدر با همکاری سیدیحیی صفوی، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی ن.م.

منابع انگلیسی:

- Borosage, Robert (2000). "Money Talks: The Implication of U.S Budget Priorities", New York: St. Martin's Press.
- Brzezinski, Zbigniew (1993). "A Word in Perpetual Turmoil", New York: Blackwell.
- Gunther, John (2012). "NATO's Chicago Summit", NATO Review.
- International Institute for Strategic Studies, 2020.
- Iran Energy Data (2010). Statistics and Analysis – Oil, Gas, Electricity, Coal.
- Kay, Sean (1998). "NATO And The Future Of European Security", New York: Roman And Little field Pub.
- Kujat, Harald (2003). "Combating terrorism: a key objective", NATO Review, Mar.
- Lansford, Tom and Tashev, Blagovest (2005). Old Europe New Europe and the U.S, Ash gate, Burlington.
- Sorley, Lewis (1983). Arms Transfers Under Nixon: a Policy Analysis, New York, The University Press of Kentucky.
- United Nation, Res 752, 17 Jun 1992.
- U.S.- Russia Strategic Framework Declaration, 2008
- Wierzynski, Gregory and Kelly, James (1982). New Challenges to NATO Strategy, Times.
- www.nato.int/docu/basicxt/b561213a.htm.